

قیام و انقلاب

حضرت مهدی (عج)

از دیدگاه شهید مطهری

تلخیص از: محمد رضا بشارتی

اشاره

ضمن عرض تبریک به مناسبت سالروز میلاد منجی عالم بشریت، قطب دایره امکان حضرت مهدی (عج) مطلب زیر تلخیصی از نوشته شهید بزرگوار استاد مرتضی مطهری در کتاب قیام و انقلاب حضرت مهدی (عج) می باشد که به مناسبت تقارن نیمه شعبان با تابستان ۸۴ و عرض ارادت به ساحت مقدس بقیه الله و جهت بهره برداری خواننده های محترم در این شماره از فصلنامه علمی آموزشی و اطلاع رسانی مطهر آورده شده است.
(مدیریت پژوهش دانشکده)

اندیشه‌ی پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه‌ی ارزش های انسانی، تشکیل مدینه‌ی فاضله و جامعه‌ی ایده آل، و بالاخره اجراء این ایده‌ی عمومی و انسانی به وسیله‌ی شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی، از او به مهدی تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه‌ی فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت و اختلاف هایی بدان مؤمن و معتقدند. زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه، قرآنی است این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی،^۱ غلبه‌ی قطعی صالحان و متقیان^۲ کوتاه شدن دست ستم کاران و جباران برای همیشه،^۳ و آینده‌ی درخشان و سعادت مندانه‌ی بشریت^۴ را نوید داده است. این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده، و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است؛ که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها فوق العاده تاریک و ابتر است.

انتظار فرج

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی، انتظار فرج خوانده شده است و عبادت بلکه افضل عبادات شمرده شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل در «حرمت یأس از روح الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند. چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح الله در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی؛ و به علاوه، توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است.^۵

مشخصات انتظار بزرگ

۱- خوش بینی به آینده ی بشریت، درباره ی آیند بشریت نظرها مختلف است؛ بعضی معتقدند که شر و فساد و بدبختی، لازمه ی لاینفک حیات بشری است و بنابراین زندگی بی ارزش است و عاقلانه ترین کارها خاتمه دادن به حیات و زندگی است. بعضی دیگر اساساً حیات بشر را ابر می دانند، معتقدند که بشر در اثر پیش رفت حیرت آور تکنیک و ذخیره کردن انبارهای وحشتناک وسایل تخریبی، رسیده به مرحله ای که به اصطلاح با گوری که با دست خود کرده یک گام بیش تر فاصله ندارد. راسل درآمدهای نو می گوید: «اشخاصی هستند - و از آن جمله انبشتاین - که به زعم آنها بسیار محتمل است که انسان دوره ی حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سنین معدودی موفق شود با مهارت شگرف علمی خود، خویش را نابود سازد.» بنابراین نظریه، بشر در نیمه راه عمر خود بلکه در آغاز رسیدن به بلوغ فرهنگی به احتمال زیاد نابود خواهد شد. البته اگر تنها به قراین و شواهد ظاهری قناعت کنیم این احتمال را نمی توان نفی کرد. نظریه ی سوم این است که شر و فساد لازم لاینفک طبیعت بشر نیست، شر و فساد و تباهی معلول مالکیت فردی است، تا این ام الفساد هست، شر و فساد هم هست. مالکیت فردی معلول در جدای از تکامل ابزار تولید است و با خواسته ی انسان ها این ام الفساد از بین نمی رود، ولی تکامل

ابزار تولید و جبر ماشین روزی ریشه‌ی این ام‌الفساد را جبراً خواهد کند. پس آنچه مایه و پایه‌ی خوشبختی است تکامل ماشین است. نظریه‌ی چهارم این است که ریشه‌ی فسادها و تباهی‌ها نقص روحی و معنوی انسان است.

انسان هنوز دوره‌ی جوانی و ناپختگی را طی می‌کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود. نه شر و فساد لازمه لاینفک طبیعت بشر است و نه جبر تمدن فاجعه‌ی خودکشی دسته‌جمعی را پیش خواهد آورد. آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است. این نظریه الهامی است که دین می‌کند. نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در زمینه‌ی این الهام است.

۲- پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعمار و ظلم و اختناق و دجل (دجال‌گری و فریب).

۳- حکومت جهانی واحد.

۴- عمران تمام زمین در حدی که نقطه‌ی خراب و آباد نشده باقی نماند.

۵- بلوغ بشریت به خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی.

۶- حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین.

۷- برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت.

۸- منتفی شدن کامل مفاصد اخلاقی از قبیل زنا، ربا، شرب خمر، خیانت، دزدی، آدم‌کشی و غیره و خالی شدن روان‌ها از عقده‌ها و کینه‌ها.

۹- منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون.

۱۰- سازگاری انسان و طبیعت.

هر کدام از این‌ها نیاز به تجزیه و تحلیل و استدلال دارد. در این جا منظور ما صرفاً شناساندن ماهیت این نوید و آرمان اسلامی است.

دو نوع انتظار

انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه ای است که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛ و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت بخش است، فلج کننده است و نوعی اباحه گری باید محسوب گردد. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است. و این دو نوع برداشت به نوبه ی خود، از دو نوع بینش درباره ی تحولات و انقلاب های تاریخی ناشی می شود که به تشریح آغاز می کنیم.

انتظار ویرانگر

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجار دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم ها، تبعیض ها، اختناق ها، حق کشی و تباهی ها ناشی می شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح به نقطه ی صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می آید بنابراین هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه ی روشن است. تا در صحنه ی اجتماع نقطه ی روشنی هست دست غیب ظاهر نمی شود؛ برعکس، هر گناه و فساد و هر ظلم و تبعیض و هر حق کشی، هر پلیدی بی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند رواست زیرا الغایات تبرر المبادی هدف ها وسیله های نامشروع را مشروع می کنند. بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه ی فساد است. این جا است که گناه هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. این جاست که این شعر مصداق واقعی خود را می یابد:

در دل دوست به هر حيله رهى بايد كرد طاعت از دست نيايد گنهى بايد كرد
 اين گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهيان از منكر با نوعى
 بغض و عداوت مى نگرند، زيرا آنان را از تاخير اندازان ظهور و قيام مهدى موعود (عج)
 مى شمارند. برعكس، اگر خود هم اهل گناه نباشند در عمق ضمير و اندیشه با نوعى
 رضایت به گناهكاران و عاملان فساد مى نگرند، زيرا اينان مقدمات ظهور را فراهم
 مى نمايند.

انتظار سازنده

آن عده از آیات قرآن کریم - که همچنان که گفتیم ریشه اين اندیشه است و در روايات
 اسلامى بدان ها استناد شده است - در جهت عكس برداشت بالا است. از اين آیات استفاده
 مى شود که ظهور مهدى موعود حلقه اى است از حلقه هاى مبارزه اهل حق و اهل باطل که
 به پىروزی نهايى اهل حق منتهى مى شود، سهم بودن يك فرد در اين سعادت موقوف
 بدین است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتى که بدان ها در روايات استناد شده
 است نشان مى دهد که مهدى موعود (عج) مظهر نويدى است که به اهل ايمان و عمل صالح
 داده شده است، مظهر پىروزی نهايى اهل ايمان است: «وعد الله الذين آمنوا و عملوا
 الصالحات ليستخلفنهم فى الارض و ليمكنن لهم الذى ارتضى لهم و ليبدلنهم من
 بعد خوفهم امنا يعبدوننى لا يشركون بى شيئاً» خداوند به مؤمنان و شايسته كاران وعده
 داده است که آنان را جانشينان زمين قرار دهد، دينى که براى آنها آن را پسندیده است
 مستقر سازد، دوران خوف آنان را تبديل به دوران امنيت نمايد (دشمنان آنان را نابود سازد)
 بدون ترس و واهمه، خداى خویش را بپرستند و اطاعت غير خدا را گردن نهند و چيزى
 را در عبادت يا طاعت شريك حق نسازند. ظهور مهدى موعود (عج) است بر مستضعفان و
 خوار شمرده شدگان، و وسيله اى است براى پيشوا و مقتدا شدن آنان، و مقدمه اى است
 براى وراثت آنها خلافت الهى را در روى زمين «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا
 فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين» ظهور مهدى موعود (عج)، تحقق بخش

وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیمی‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان، تنها به متقیان تعلق دارد. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است، که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته‌های هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد، آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است نمونه‌ای از این سلسله قیام‌ها است. این جریان‌ها نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه‌ی قبلی رخ نمی‌دهد. در برخی روایات اسلامی سخن از دولتی است که اهل حق که تا قیام مهدی (عج) ادامه پیدا می‌کند و چنان که می‌دانیم بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولت‌های شیعی معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود (عج) ادامه خواهد یافت همان سلسله دولتی باشد. این احتمال هرچند ناشی از ضعف اطلاعات اجتماعی و عدم بینش صحیح آنان نسبت به اوضاع سیاسی زمان خود بوده اما حکایت گر این است که استنباط این شخصیت‌ها از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی (عج) این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یکسره درهم بشکند و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی (عج) ظاهر شود، بلکه آن را به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی‌بندوباری تلقی می‌کرده‌اند. از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموع حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است.

							مراجع
--	--	--	--	--	--	--	-------

- ۱- هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون - توبه / ۳۳ و صف / ۹.
- ۲- و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون - انبياء / ۱۰۵.
- ۳- و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين. قصص / ۵.
- ۴- قال موسى لقومه استعينوا بالله و اصبروا، ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبه للمتقين - اعراف / ۱۲۸.
- ۵- خوئي، اسماعيل، كتاب جدال با مدعى.